

در کتاب «مصباح» شیخ طوسی به نقل از ابو حمزه ثمالی آمده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می‌ایستاد و چون سحر می‌رسید این دعا را می‌خواند:

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ
وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاءُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي
أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَ لَمْ
يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ -

خدایا مرا به کیفرت ادب منما، و با نقشه‌ای با من نیرنگ مکن، پروردگارا از کجا برایم خیری هست، درحالی که جز نزد تو یافت نمی‌شود، و از کجا برایم نجاتی است، درحالی که جز به تو فراهم نمی‌گردد، نه آن‌که نیکی کرد از کمک و رحمت بی‌نیاز شد، و نه آن‌که بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت، و تو را خشنود نساخت از عرصه قدرت بیرون رفت. پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا....
آنقدر بگوید تا نفس قطع گردد.

بِكَ عَرَفْتُكَ وَ أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَ دَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَ لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا
أَنْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي وَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ
فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ
يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي ،

تو را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی، و به سوی خود خواندی، و اگر راهنمایی تو نبود، من نمیدانستم تو که هستی؟، سپاس خدای را که می‌خوانمش و او جوابم را می‌دهد، گرچه سستی می‌کنم گاهی که او مرا می‌خواند، و سپاس خدای را که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید، گرچه بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که هرگاه خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم، و هر جا که خواهم برای رازو نیاز با او بی‌پرده خلوت کنم و او حاجتم را برآورد، سپاس خدای را که غیر او را نمی‌خوانم، که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد،

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّنُونِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي.

و سپاس خدای را که به غیر او امید نیندم، که اگر جز به او امید می‌بستم ناامیدم می‌نمود، و سپاس خدای را که مرا بخویش و گذاشت، از این رو اکرام نمود، و به مردم و نگذاشت تا مرا خوار کنند، و سپاس خدای را که با من دوستی ورزید، در حالی که از من بی‌نیاز است، و سپاس خدای را که بر من بردباری می‌کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستوده‌ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أجدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ [لَدَيْكَ] مُتْرَعَةً وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي [لِلرَّاجِينَ] بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ لِلْمَلْهُوفِينَ [لِلْمَلْهُوفِ] بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ [الْأَمَالُ] ذُنُوكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي،

خدایا راههای درخواست حاجت‌هایم را به جانب تو باز می‌یابم، و آبشخورهای امید را نزد تو پر می‌بینم، و یاری خواستن از فضل برای آن‌که تو را آرزو کرد بی‌مانع می‌بینم، و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می‌نگرم، و می‌دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی، و برای دل سوختگان در کمین‌گاه فریادرسی، و به یقین در اشتیاق به جودت، و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است، و گشایشی از آنچه در دست ثروت‌اندوزان، و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان آنان را از تو محجوب نماید، من با درخواستم آهنگ تو کردم

و تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَ جَعَلْتُ بِكَ اسْتِعَاثَتِي وَ بَدُعَائِكَ تَوْسَلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَ لَا اسْتِيْجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيْتَقِي بِكَرَمِكَ وَ سَكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَ لَجئِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَ يَقِينِي [وَ ثِقَتِي] بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ وَ لَا إِلَهَ [إِلَى] إِلَّا أَنْتَ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ

لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ [الصَّدْقُ] وَاسْأَلُوا اللَّهَ
 مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ
 بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی ام را به پیشگاه تو قرار دادم، و خواندت را دست‌آویز خویش نمودم بی آنکه مستحق شنیدن خواهشم، و شایسته گذشت از من باشی، بلکه برای اطمینان به کرمت، و آرامش به درستی و وعدهات، و پناه‌جستن به ایمان به یگانگی‌ات و یقین به معرفتت که مرا پروردگاری جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی. خدایا تو گفتی و گفتارت بر حق، و وعدهات درست است [فرمودی]: [از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است، ای آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی، تو با عطاهایت بر اهل مملکتت بسیار کریمی،

وَ الْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنِنٍ رَأْفَتِكَ [بِحُسْنِ نِعْمَتِكَ] إِلَهِي رَبِّيْتِنِي فِي نِعْمِكَ وَ
 إِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَ نَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَ
 تَفَضُّلِهِ [بِفَضْلِهِ] وَ نِعْمِهِ وَ أَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَ كَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا
 مَوْلَايَ دَلِيلِي [دَلَّتْنِي] عَلَيْكَ وَ حُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَ أَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي
 بَدَلَا لَتِكَ وَ سَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَيَّ شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدَّ
 أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبُّ أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدَّ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبُّ رَاهِبًا رَاغِبًا
 رَاجِيًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَ إِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

و بر آنان با محبت و رأفت بسیار احسان کننده‌ای. خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی، و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی، ای آن‌که مرا در دنیا به احسان و فضل نعمتهایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود، ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی تو، تو، و عشقم به تو واسطه‌ام به پیشگاهت، من از دلایلم به دلالت تو مطمئن، و از واسطه‌ام به شفاعت تو در آرامشم، ای آقایم تو را به زبانی می‌خوانم که گناهش او را ناگویا نموده، و با دلی با تو مناجات می‌کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می‌خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من هرگاه گناهانم را می‌بینم بی‌تاب می‌گردم، و هرگاه کرمت را مشاهده می‌کنم، به طمع می‌افتم،

فَإِنْ عَفَوْتَ [عَفَرْتُ] فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهَ فِي
 جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكَرَّرَ جُودُكَ وَ كَرَمُكَ وَ عُدَّتِي فِي

شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ
 وَ ذَيْنِ مُنِّي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَ اسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ
 رَجَاهُ رَاجٍ عَظْمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَ سَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي
 وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاهِ الْمُذْنِبِينَ وَ حِلْمَكَ
 يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَأَةِ الْمُقْصِرِينَ ،

پس اگر از من درگذری بهترین رحم کننده ای، و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای، خدایا حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت
 داری جود و کرم توست، و ذخیره ام در سختیها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست، و امیدم بر آن است که بین حجت و ذخیره ام آرزویم را نومید نکنی،
 پس امیدم را تحقق بخش، و دعایم را بشنوی بهترین کسی که خواننده ای او را خوانده، و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته، ای آقای من آرزویم بزرگ
 شده، و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزیم از عفو تو به من ببخش، و به زشت ترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرمت برتر از کیفر گناهکاران و
 بردباریت بزرگتر از مکافات تبهکاران است،

وَ أَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ
 عَمَّنْ أَحْسَنَ بَكَ ظَنًّا وَ مَا أَنَا يَا رَبُّ وَ مَا خَطْرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ
 عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبُّ جَلَّلِنِي بِسِتْرِكَ وَ اغْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَ جِهَكَ فَلَوْ
 اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتَهُ وَ لَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ لَا
 لَأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ [إِلَى] وَ أَخَفُّ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَى] بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبُّ خَيْرُ
 السَّاتِرِينَ وَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ،

و من ای آقایم پناهنده به فضل توام، گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی، و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو
 نیکو کرده، چه هستم من ای پروردگارم، و اهمیت من چیست؟ به فضلت مرا ببخش، و به گذشتت بر من صدقه بخش، پروردگارا مرا به پرده پوشی ات
 بپوشان، و از توبیخم به کرم ذات درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می شد، آن را انجام نمی دادم، و اگر از زود رسیدن عقوبت می ترسیدم، از آن دوری
 می کردم، گناهم نه به این خاطر بود که تو سبک ترین بیندگانی و بی مقدارترین آگاهان، بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده پوشی، و حاکم ترین
 حاکمان، و کریم ترین کریمانی،

سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَ تُؤَخِّرُ

الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ
 قُدْرَتِكَ وَ يَحْمِلُنِي وَعَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي وَ يَدْعُونِي إِلَى
 قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ وَ يُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ
 رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا
 قَابِلَ التَّوْبِ،

پوشنده عیبها، آمرزنده گناهان، دانای نپنهانها، گناه را با کرمی می پوشانی، و کیفر با بردباری به تاخیر می افکنی، سپاس تو را سزااست بر بردباری پس از آنکه
 دانستی، و بر گذشتت پس از آنکه توانستی، بردباری مرا به جانب گناه می کشد و بر نافرمانی جرأت می دهد، پرده پوشی ات بر من مرا به کم حیایی
 می خواند، و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو، به من در تاختن بر محرمات سرعت می دهد! ای شکیبایا، ای گرامی، ای زنده ای ای به خود پاینده ای
 آمرزگار، ای توبه پذیر،

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ أَيْنَ
 فَرَجِكَ الْقَرِيبِ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَيْنَ عَطَايَاكَ
 الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّنِيئَةَ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ أَيْنَ
 مَنَّكَ الْجَسِيمِ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمٌ بِهِ [وَبِمُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ] فَاسْتَنْقِذْنِي وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ،

ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان، پرده پوشی زیبایت کجاست، گذشت بزرگت کجاست، گشایش نزدیکت کجاست، فریادرسی زودت کجاست، رحمت
 گسترده ات کجاست، عطاهای برترت کجاست، موهبتهای گوارایت کجاست، جایزه های شایانت کجاست، فضل بزرگت کجاست، عطای عظیمت
 کجاست، احسان دیرینه ات کجاست، کرمت کجاست، ای کریم، به حق کرمت و «به محمد و خاندان محمد» مرا رهایی بخش، و به رحمتت مرا خلاص کن، ای
 نیکوکار، ای زیباکار،

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النِّجَاهِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ
 عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبَدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَ تَعْفُو عَنِ
 الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا

أَبَلَيْتَ وَ أَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَ
يَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَازَبَكَ وَ انْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ،

ای نعمت‌ده، ای فزونی‌بخش، من آن نیستم که در رهایی از کیفیت بر اعمالمان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چرا که تو اهل تقوا و مغفرتی، از باب نعمت‌دهی ابتدای به احسان می‌کنی، و از جهت کرم از گناه در می‌گذری، پس نمی‌دانم از چه سپاس گویم، از زیبایی که می‌گسترانی، یا کار زشتی که می‌پوشانی، یا بزرگ آزموننی که آزمودی و شایسته نیکی نمودی، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی، و سلامت کامل بخشیدی؟! ای محبوب آن‌که به تو دوستی ورزیدی، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از دیگران گسست، تو نیکوکاری

وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبُّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَ أَيْ
جَهْلٍ يَا رَبُّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيْ زَمَانٍ أَطُولُ مِنْ أُنَاتِكَ وَ مَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا
فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ كَيْفَ نَسْتَكْتَرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ [كَرَامَتِكَ] بَلْ كَيْفَ
يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ
الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي [أَنْتَهَرْتَنِي] مَا بَرِحْتُ مِنْ
بَابِكَ وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ
أَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَ تَرْحِمُ مَنْ تَشَاءُ
بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَ لَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَ لَا تُشَارِكُ

فِي أَمْرِكَ،

و ما بدکارانیم، به زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی آنچه پیش ماست درگذر، پروردگارا کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد، و کدام زمان طولانی‌تر از مهلت دادن توست، در کنار نعمتهایت ارزش اعمال ما چیست، چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم، تا با آنها با کرمت برابری کنیم، بلکه چگونه بر گنهگاران تنگ شود آنچه از رحمتت شاملشان شده؟! ای گسترده‌آمزش، ای گشاده‌دست به رحمت، ای آقای من به عزتت سوگند، اگر مرا برانی از درگاهت دور نخواهم شد، و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود و کرمت پیدا کرده‌ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هر که را بخواهی عذاب می‌کنی به هر چه که بخواهی و به هر صورتی که بخواهی، و رحم می‌کنی هر که را بخواهی، به هر چه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی، از آنچه کنی بازخواست نشوی، و در فرمانرواییات نزاع در نگیرد، و کسی در کارت شریکت نگرده،

وَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَ لَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَ

الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبُّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَادَ بِكَ وَاسْتَجَارَ
بِكْرَمِكَ وَ أَلْفَ إِحْسَانِكَ وَ نِعْمَكَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَ لَا
يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَ لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَ قَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَ الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ،

و در داوریات با تو هم‌آورد نشود، در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند، آفرینش و فرمان تو راست، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناحت آمد، و به کرمت پناهنده گشت، و به احسان و نعمت‌های الفت جست، تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد، و احسانت کاهش نمی‌پذیرد، و رحمتت کم نمی‌شود، و به یقین از چشم‌پوشی دیرینت، و فضل بزرگت،

وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ أَفْتَرَاكَ [تُرَاكَ] يَا رَبُّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا كَلَّا
يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ وَ لَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا يَا رَبُّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا
طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَ
دَعْوَتَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا
نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ لَكِنْ عِلْمُكَ فِيْنَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَ إِنَّ كُنَّا
غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ
سَعَتِكَ،

و رحمت گسترده‌ات اعتماد نمودیم، آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمانهای ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نوید سازی هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست، و طمع ما درباره تو این چنین نمی‌باشد، پروردگارا، ما را درباره تو آرزوی طولانی بسیاری است، ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما ببوشانی، و تو را خواندیم، و امیدواریم که بر ما اجابت کنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش، ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما، و آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمیرانی، گرچه ما سزاوار رحمتت نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گنہکاران به فضل گسترده‌ات جود کنی،

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ جُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَيْكَ يَا غَفَّارُ
بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعَيْنَا وَ بِنِعْمَتِكَ [فِي نِعْمِكَ] أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا

ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَ
نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ
مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ [عَنَّا] بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ
وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِيكِ فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ وَ أَكْرَمَكَ،

پس آنگونه که شایسته آنی بر ما منت گذار، و بر ما جود کن، که ما نیازمند به عطاى تویم، ای آمرزگار، به نور تو هدایت شدیم، و به فضل تو بی نیاز گشتیم، و به نعمتت بامداد نمودیم و شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می خواهیم، و به سوی تو باز می گردیم، تو با نعمتت به ما مهر می ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می کنیم، خیرت به سوی ما سرازیر است، و بدی ما به سوی تو بالا می آید، همواره فرشته کریمی، از ما کردار زشت به جانب تو می آید، و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با نعمتهایت فراگیری، و به عطاهای برجستهات بر ما تفضل نمایی، منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی،

مُبْدِنَا وَ مُعِيدَا تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ كَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَ فِعَالُكَ أَنْتَ
إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً وَ أَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي وَ خَطِيئَتِي فَالْعَفْوِ
الْعَفْوِ الْعَفْوِ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي.

آغاز کننده به نیکی و تکرار کننده آنی، نامهایت مقدس، و ثنایت عظیم، و رفتارها و کردارهایت کریمانه است، خدایا، فضلت گسترده تر، و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری ام بسنجی، پس گذشت نما، گذشت نما، گذشت نما، آقای من، آقای من، آقای من.

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَ أَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَ ارْزُقْنَا مِنْ
مَوَاهِبِكَ وَ أَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ
صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ
قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَ ارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَ تَوْفَّقْنَا عَلَى مِلَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِيُؤَدِّيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا
اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا ،

ما را به ذکر مشغول کن، و از خشم پناه ده، و از عذابت نجات بخش، و از مواهب روزی کن، و از فضلت بر ما انعام فرما، و زیارت خانوات، و زیارت

مرقد پیامبر را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب‌دهنده هستی، عمل به طاعتت را روزی ما گردان، و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت (دروود خدا بر او و خاندانش) بمیران. خدایا من و پدر و مادرم را بیامرز و به هر دو آنها رحم کن، چنان‌که مرا به گاه کودکی پروردند، احسان هردو را به احسان، و بدیهایشان را به آمرزش پاداش ده.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ [فِي الْخَيْرَاتِ] اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَأَنْثَانَا [إِنَّا] صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرْنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَهُ بَاقِيَهُ،

خدایا مردان و زنان مؤمن را بیامرز، چه زنده و چه مرده آنها را، و بین ما و آنان با نیکبها پیوند ده. خدایا بیامرز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را، مرد زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما را، برگشتگان از خدا دروغ گفتند، و گمراه شدند گمراهی دوری، و زیان کردند، زبانی آشکار. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برایم ختم به خیر فرما، و مرا از آنچه که بی‌قرارم کرده از کار دنیا و آخرتم کفایت کن، و کسی که مرا رحم نمی‌کنم بر من چیره مساز، و بر من از سوی خود نگرهبانی همیشگی قرار ده،

وَلَا تَسَلِّبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا اللَّهُمَّ اخْرُسْنِي بِحَرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَاءَتِكَ وَارْزُقْنِي حِجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخَلِّنِي يَا رَبُّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ.

و از من شایسته‌های آنچه را که انعام کردی مگیر، و از فضلت روزی گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن. خدایا به نگرهبانی‌ات مرا نگرهبانی کن، و به نگرهداری‌ات مرا نگرهدار و به پاسداری‌ات از من پاسداری فرما، و زیارت خانه‌ات را در این سال و در هر سال، و زیارت مرقد پیامبرت و امامان (دروود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی مرا محروم مساز.

اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَغْصِيكَ وَالأِهْمِنِي الْخَيْرَ وَالعَمَلَ بِهِ وَخَشِيَتِكَ

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ
تَعَبَّأْتُ [تَعَبَّيْتُ] وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا
أَنَا صَلَّيْتُ وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَدَحْتُ
سَرِيرَتِي وَ قَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي
وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ

خدایا به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم، و خیر و عمل به آن وحشت از خویش را در شب و روز، تا گاهی که زنده ام می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما. خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستاد و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم، و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو راز و نیاز کردم، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد، و جایگاهم به جایگاه توبه کنندگان نزدیک گشته برام گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید، و میان من و خدمت به تو مانع شد

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنِ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَ عَنِ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي
مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ [الْكَذَّابِينَ] فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ
لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَيْسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ
الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي
أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَ جَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي،

سرور من شاید مرا از درگاهت رانده ای، و از خدمتت عز نموده ای، یا مرا دیده ای که حَقَّتْ را سبک می شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی، یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی، پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافتی، پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمتهایت ناسپاس دیدی، پس محروم نمودی، یا شاید مرا از همنشینان دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی، یا شاید مرا در گروه غافلان دیدی، پس از رحمتت ناامیدم کردی، یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره ها دیدی. پس مرا به آنان وا گذاشتی، یا شدی دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودی، یا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی،

أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلْبِهِ حَيَائِي مِنْكَ جَازِيْتِنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبُّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ
 الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَأَةِ الْمُقْصِرِينَ وَ أَنَا عَائِدٌ
 بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ [مُتَنَجِّزٌ] مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ
 أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَ أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي
 أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي وَ مَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَ مَا خَطِرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي

،

یا شاید برای کمی حیایم از تو مجازاتم نمودی، پس اگر پروردگارا عفو کنی، سابقه اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته‌ای طولانی است، زیرا کرم
 پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است، و من پناهنده به فضل توام، از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده‌ای. و آن چشم‌پوشی
 از کسانی است که به تو گمان نیک برده‌اند، خدایا فضل تو گسترده‌تر، و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی، یا به خطایم بلغزانی، ای
 آقایم من چیستم، و چه ارزشی دارم، سرور من مرا به فضلت ببخش،

وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَ اعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ
 سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي
 هَدَيْتَهُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَ الْجَائِعُ الَّذِي
 أَشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ
 وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَ الذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ،

و با گذشت بر من کرم فرما، و به پرده‌پوشی‌ات خطاهایم را بپوشان، و به کرم وجودت از توبیخم درگذر، آقای من منم کودکی که پروریدی، منم نادانی که دانا
 نمودی، منم گمراهی که هدایت کردی، منم افتاده‌ای که بلندش نمودی، منم هراسانی که امانش دادی، و گرسنه‌ای که سیرش نمودی، و تشنه‌ای که سیرایش
 کردی، و برهنه‌ای که لباسش پوشاندی، و تهیدستی که توانگرش ساختی، و ناتوانی که نیرومندش نمودی، و خواری که عزیزش فرمودی،

وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَ السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ
 الْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَ أَنَا

الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ أَنَا يَا رَبَّ الَّذِي لَمْ أُسْتَحِيكَ فِي الْخَلَاءِ وَ لَمْ أُرَاقِبْكَ فِي
 الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي
 عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشَأُ أَنَا الَّذِي
 حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أُمَهَّلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَ سَتَرْتُ
 عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَ عَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ

و بیماری که شفایش دادی، و خواهشمندی که عطایش کردی، و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندی، و خطاکاری که نادیده‌اش گرفتی، و اندکی که
 بسیارش فرمودی، و ناتوان شمرده‌ای که یاری‌اش دادی، و رانده شده‌ای که مأوایش بخشیدی، من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم، و در
 آشکارا از تو ملاحظه نمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ، منم آن‌که بر آقایش گستاخی کرد، منم آن‌که جبار آسمان را نافرمانی کرد، منم آن‌که بر معاصی بزرگ
 رشوه دادم، منم آن‌که هرگاه به گناهی مژده داده می‌شدم شتابان به سویش می‌رفتم، منم آن‌که مهلت دادی باز نایستادم، و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم، و
 مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم

وَ اسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ [عِنْدِكَ] فَمَا بَالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ أُمَهَّلْتَنِي وَ بِسِتْرِكَ
 سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي وَ مِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَبَّيْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ
 اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَمْ أُعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ وَ لَا بِأَمْرِكَ
 مُسْتَخِفٌّ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ
 وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَنِي هَوَايَ وَ أَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي سِتْرُكَ
 الْمُرْخَى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ
 يَسْتَنْقِذُنِي وَ مِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدَا مَنْ يُخَلِّصُنِي،

و مرا از چشمت انداختی، اهمیت ندادم، پس با بردباری‌ات مهلت دادی، و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده‌ای، و از مجازات گناهان
 برکنارم داشته‌ای، گویا تو از من حیا کرده‌ای!! خدایا، آنگاه که نافرمانی کردم نافرمانی‌ات نکردم چنان‌که پروردگاری‌ات باشم، و نه چنان‌که سبک شمارنده
 فرمانت باشم، و نه با گستاخی در معرض کيفرت قرار گیرم، و نه تهیدست را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم
 آراست، و بدبختی‌ام مرا بر آن یاری نمود، و پرده افتاده‌ات بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوشش نافرمانی‌ات نمودم و به مخالفت برخاستم اکنون چه کس
 مرا از عذابت نجات می‌دهند، و فردا از چنگ ستیره‌جویان و دشمنی‌کنندگان چه کسی رهایم می‌کند،

وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَا سَوَاتَا [أُسْفَا] عَلَيَّ مَا
 أَحْصَى كِتَابَكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْ لَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ
 نَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ
 مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ
 وَ بِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو
 الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوحِشْ اسْتِينَاسَ إِيْمَانِي،

و به رشته چه کسی ببیندم اگر تو رشته‌ات را از من بگسلی، مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده، اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمت نبودم، و هم اینکه مرا از ناامیدی نهی نموده‌ای هرآینه ناامید می‌شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می‌آوردم، ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خواند، و برترین کسی که امیدواری به او امید بست. خدایا به پیمان اسلام به تو توسل می‌جویم، و به حرمت قرآن بر تو تکیه می‌کنم، و به محبتم نسبت به پیامبر درس ناخوانده قریشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی، همجواری نزد تو را امید می‌نمایم، پس انس ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز،

وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالْإِسْتِثْمِ لِيَحْقِنُوا بِهِ
 دِمَاءَهُمْ فَأَذْرِكُوا مَا أَمَلُوا وَ إِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالْإِسْتِثْمِ وَ قُلُوبِنَا لِتَغْفُوَ عَنَّا فَأَذْرِكْنَا
 [فَأَذْرِكْ بِنَا] مَا أَمَلْنَا وَ ثَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ
 هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوْ عَزَّتْكَ لَوْ أَنْتَهَرْتِنِي
 مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي [يَا سَيِّدِي] مِنْ
 الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَ إِلَى
 مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ.

و و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده، چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را به این وسیله حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم، تا از ما درگذری، پس ما را به آنچه آرزو مندیم برسان، و امیدت را در سینه‌هایمان استوار کن، و دل‌هایمان را پس از آنکه هدایت‌مان فرمودی گمراه مکن، و از جانب خود ما را ببخش، که تو بسیار بخشنده‌ای، به عزتت سوگند اگر مرا برانی، از درگاہ نخواهم رفت، و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت به کرمت و گستردگی رحمتت به قلب من شده، بنده به جانب چه

کسی جز مولایش می‌رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می‌برد؟

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ
فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ وَ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَ حُلْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْأُبْرَارِ مَا
قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَ مَا صَرَفْتَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَ لَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ
قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسَى أَيْادِيكَ عِنْدِي وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجَ
حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَ اجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

خدایا، اگر مرا با زنجیر ببندی، و عطایت را در میان مردم از من بازداری، و بر رسواییهایم دیدگان بندگان را بگشایی، و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان پرده گردی، امیدم را از تو نخواهم برید، و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند، و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراوانی عطایت را نزد خود، و پرده پوشی‌ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد، ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن، و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش، بهترین برگزیدگان از آفریدگانت و پایان‌بخش پیامبران محمد(درود خدا بر او و خاندانش) جمع کن،

وَ انْقَلَبْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَ اعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ
بِالتَّسْوِيفِ وَ الْأَمَالِ عُمْرِي وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيسِينَ مِنْ خَيْرِي [حَيَاتِي]
فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَيَّ مِثْلَ حَالِي إِلَى قَبْرِي [قَبْرٍ] لَمْ
أَمْهَدُهُ لِرَفْدَتِي وَ لَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَ مَا لِي لَا أُبْكِي وَ لَا
أُدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَ أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَ أَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَ قَدْ
خَفَقَتْ عِنْدَ [فَوْقَ] رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ فَمَا لِي لَا أُبْكِي أُبْكِي لِخُرُوجِ
نَفْسِي أُبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أُبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي أُبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ
إِيَّايَ،

و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان، و هر گریه بر خویشتن مرا یاری ده، من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم، و اینک به

جایگاه به نامیدان از خیر و صلاح فرود آمده‌ام، پس بدحال‌تر از من کیست؟ اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده ساخته‌ام، و برای آرمیدن به کار نیک فرس نموده‌ام، و مرا چه شده که گریه نکنم، و حال آنکه نمیدانم بازگشت من به جانب چه خواهد بود، من نفسم را می‌نگرم که با من نیرنگ می‌بازد، و روزگار را مشاهده می‌کنم که مرا می‌فریبده، و حال آنکه بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمده، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می‌کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی لحدم، گریه می‌کنم برای پرسش دو فرشته قبر منکر و نکیر از من،

أُبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانَا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ
يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ
يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا
غَبْرَةٌ تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ وَ ذَلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْوَلِي وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي
وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ
فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ مِنَ الشَّرِّ قَلْبِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أ
فَبِلِسَانِي هَذَا الْكَالُ أَشْكُرُكَ،

گریه می‌کنم برای درآمدن از قبر عریان و خوار، درحالی‌که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم، یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می‌کنم، هنگامی‌که مردمان در کاری جز کار منند، چه برای هرکسی از آنان در آن روز کاری است که او را بس است، چهره‌هایی در آن روز روشن و خندان خوشحال‌اند، و چهره‌هایی در آن روز بر آنها غبار بدفرجامی نشسته، و سیاهی و خواری آنها را پوشانده، ای آقای من، تکیه و اعتماد و امید و توکل بر تو، و آویختن بر رحمت توست، هرکه را خواهی به رحمت رسانی، و با کرامت هرکه را دوست داری هدایت کنی، پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک نمودی، و برای تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم،

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي [جَهْدِي] فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَ مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبُّ فِي
جَنْبِ شُكْرِكَ وَ مَا قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ [إِلَى] إِيَّاهِ إِنْ
[إِلَّا أَنْ] جُودَكَ بَسْطَ أَمَلِي وَ شُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَ
إِلَيْكَ [مِنْكَ] رَهْبَتِي وَ إِلَيْكَ تَأْمِينِي وَ قَدْ سَأَقِنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ]
يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ [عَلَيْتُ] هِمَّتِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَ لَكَ

خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي وَ بَكَ اُنْسَتُ مَحَبَّتِي وَ اِلَيْكَ اَلْقَيْتُ بِيَدِي وَ بِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَ بِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ اَلْمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا مَوْلَايَ وَ يَا مُؤَمَّلِي وَ يَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَارِقُ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَاِنَّمَا اَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فَيْكَ وَ عَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي اَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ مِنْ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم، پروردگارا ارزش زبانم در کنار شکرست، و قیمت کارم در برابر نعمتهایت و احسانت چه اندازه است؟! خدایا، جودت آرزویم را گسترده و سیاست عملم را پذیرفت، ای آقای من میلم به سوی توست، و ترسم از جانب توست، و آرزویم به پیشگاه توست، آرزویم مرا به سوی تو رسانده و همتم بر درگاه تو ای خدای یگانه معتکف شده، و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته، امید خالص و بیمم برای توست، و محبتم به تو انس گرفته، و دستم را به جانب تو انداختم، و ترسم را به سوی رشته طاعت تو کشیدم، ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد، و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم، ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته‌ام، میان من و گناهم جدایی انداز، گناهی که بازدارنده من از ملامت طاعت توست، تنها از تو درخواست می‌کنم، به خاطر امید دیرینه به تو، و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده‌ای، پس فرمان تو راست، یگانه‌ای و شریکی نداری،

وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اِلٰهِي اَرْحَمَنِي اِذَا اَنْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ اِيَّايَ لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي اِذَا اَشْتَدَّتْ فَاقَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي وَ لَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي اَعْطِنِي لِفَقْرِي وَ اَرْحَمَنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيَّكَ مُعْتَمِدِي وَ مُعْوَلِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكُّلِي وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَ بِفِنَائِكَ اَحْطُ رَحْلِي وَ بِجُودِكَ اَقْصِدُ [اَقْصُرُ] طَلِبَتِي وَ بِكَرَمِكَ اَيُّ رَبُّ اَسْتَفْتِحُ دُعَائِي وَ لَدَيْكَ اَرْجُو فَاقَتِي [ضِيَاْفَتِي] وَ بِغِنَاكَ اَجْبُرْ عَيْلَتِي وَ تَحْتَ

ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ
نَظْرِي،

و همه خلق جیره‌خوار تو، و در دست قدرت تو، و هر چیز برای تو فروتن است، منزهی تو ای پروردگار جهانیان، خدایا به من رحم کن آنگاه که حجتم بریده شود، و زبانت از پاسخت ناگویا گردد، و به هنگام بازپرسی‌ات هوش از سرم برود، ای بزرگ امیدم، زمانی که بیچارگی‌ام شدت گیرد محروم مکن، و به خاطر نادانی‌ام از درگاهت مران، و به علت کم‌تابی‌ام از رحمتت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی‌ام عطایم کن، و به خاطر ناتوانی‌ام به من رحم کن، آقام اعتماد و تکیه، امید و توکلم بر توست، و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستان تو اندازم، و خواسته‌ام را به جود و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می‌کنم، و رفع تنگدستی‌ام را به تو امید می‌بندم، و به توانگری تو ناداری‌ام را جبران می‌کنم، و ایستادنم زیر سایه عفو توست، و به جانب جود و کرمت دیده‌ام را بلند می‌کنم، و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می‌دهم،

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي الْهَٰوِيَّةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا
سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَّتِي وَلَا تَحْرِمْنِي
ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ
عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْاعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ
أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ أَرْحَمَ فِي هَذِهِ
الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحَشَّتِي
وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلُّ مَوْفِقِي وَاغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ
الْأَدْمِيَّيْنَ مِنْ عَمَلِي،

پس مرا به آتش مسوزان، و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی، و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم منی، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکی‌ات تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم، و از پاداشت محروم مگردان که تو عارف به تهیدستی منی خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اعتراف به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی‌ام قرار دادم. خدایا اگر گذشت کنی، پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست، و اگر عذاب نمایی پس دادگتر از تو در داوری کیست؟، د راین دنیا به غربت، و به گاه مرگ به سختی جان دادم، و در قبر به تنهایی‌ام، و در لحد به هراسم رحم کن، و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم و به خواری جایگاهم رحمت آور، و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیمارز،

وَ أَدِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبْنِي أُيْدِي أَحِبَّتِي

و تَفَضَّلَ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي [يُغَسِّلُنِي] صَالِحُ جِيرَتِي وَ
تَحَنَّنَ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءَ أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَ جُدَّ عَلَيَّ مَنْقُولًا قَدْ
نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي وَ ارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا
أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ،

و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش، و به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما، و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسلخانه به صورت درازا افتاده‌ام، و همسایگان شایسه مرا به این سو و آن سو برمی‌گردانند بر من تفضل کن، و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه‌های جنازه‌ام را به دوش برداشته‌اند، و در حالت حمل شدنم، که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده‌ام بر من جود نما، و در این خانه جدید بر غریبم رحم کن، تا به غیر تو انس نگیرم ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده‌ام،

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْنِي عَثْرَتِي فَإِلَى مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ
فِي ضَجْعَتِي وَ إِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي سَيِّدِي مَنْ لِي وَ مَنْ
يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَ فَضْلَ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَ
إِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَرْجُوكَ
إِلَهِي [اللَّهُمَّ] حَقِّقْ رَجَائِي وَ آمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا [لَهَا]
إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ
فَاغْفِرْ لِي وَ الْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ التَّبِعَاتِ وَ تَغْفِرْهَا لِي وَ لَا
أَطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ وَ صَفْحٍ عَظِيمٍ وَ تَجَاوُزٍ كَرِيمٍ.

ای آقای من، اگر لغزشم را نادیده نگری از چه کسی فریادرسی خواهم، و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایتت را در آرامگاهم نداشته باشم، و به چه کسی التجا برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟ ای آقای من که را دارم و چه کسی بر من رحم می‌کند، اگر تو به من رحم نکنی، و احسان که را آرزو کنم، اگر احسان تو را روز بیچارگی‌ام نداشته باشم، و گریز از گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟ ای آقای من، مرا عذاب مکن که امید به تو دارم، خدایا امیدم را تحقق بخش، و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدی جز به گذشت تو ندارم، ای آقای من چیزی را از تو درخواست دارم که شایسته آن نیستم، و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس مرا بیمارز، و جامه‌ای از لطفت بر من ببوشان، که گناهانم را بر من ببوشاند، و آنها را بیمارزی و نسبت به آنه بازخواست نشوم، که تو داری کرم دیرینه، و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت کریمانه‌ای.

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّدَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَ عَلَيَّ الْجَاهِدِينَ
 بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَ أَيَقِنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ
 تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامْتَهُ الْخَصَاصَةَ بَيْنَ
 يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ [وَ يَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونِ
 رَجَائِكَ] فَلَا تُعْرِضْ بوجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَ اقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ
 [دَعْوَتَكَ] بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَ
 رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ
 وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ.

خدایا تویی که عطایت را پی در پی فرو ریزی، بر کسی که از تو درخواست نمی‌کند، و بر آنان که منکر پروردگاریت هستند، چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نمود که آفرینش از تو و فرمان تنها به دست توست، منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده‌ات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت قرار داده با دعایش در خانه احسانت را می‌گوید، پس روی کریمانه‌ات را از من برگردان، و آنچه می‌گویم از من بپذیر، من تو را به این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر معرفتم به رأفت و مهرت مرا باز نگردانی. خدایا تویی آن‌که پرسنده‌ای ناتوانت نکند، و عطاگیری از تو نگاهد، تو چنانی که خود گویی، و بالاتر از آنچه ما می‌گوییم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ فَرَجًا قَرِيبًا وَ قَوْلًا صَادِقًا وَ أَجْرًا عَظِيمًا
 أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ
 خَيْرٍ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ
 أُعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَالِدِيَّ وَ وَالدِيَّ [وَالِدِي] وَ أَهْلِي حُزَانَتِي وَ
 إِخْوَانِي فِيكَ [وَ] أَرْغِدْ عَيْشِي وَ أَظْهِرْ مُرُوتِي وَ أَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَ
 اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَ حَسَنَتْ عَمَلُهُ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيتَ

عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَ أَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَ أَتَمَّ الْعَيْشَ

خدایا از تو صبری زیننده، و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مزدی بزرگ درخواست میکنم پروردگارا از خیر تمامش را از تو می‌خواهم، آنچه را از آن دانسته‌ام و آنچه را ندانسته‌ام، خدایا از تو می‌خواهم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواستند، ای بهرترین کسی که از او خواسته می‌شود، و سخی‌ترین کسی که عطا فرمود، خواسته‌ام را در حق خودم و خانواده‌ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم و برادران دینی‌ام به من عطا کن، زندگی‌ام را گوارا گردان، مرّوتم را آشکار ساز، و همه احوالم را اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی، و کردارش را نیکو ساختی، و نعمت را بر او تمام کردی، و از او خشنود شدی، و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی، در بادوام‌ترین خوشیها، و کامل‌ترین کرامتها و کامل‌ترین زندگيها،

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ لَا تَفْعَلُ [يَفْعَلُ] مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَ لَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَ الْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ الْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَ الصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ تُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ،

همانا تو هرچه را بخواهی انجام می‌دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد. خدای از جانب خود مرا به ذکر خاصیت اختصاص ده، و چیزی از آنچه که به وسیله آن به تو تقرّب می‌جویم را در هم اوقات شب و روز وسیله ریا و شهرت‌خواهی و هوس‌رانی و طغیانگری قرار مده، و مرا از خاشعان درگاہت بگردان، خدای از تو می‌خواهم که به من عطا کنی: گشایش در روزی امنیت در وطن، نوز چشم در خانواده و مال و اولاد، و پایداری در نعمتهایی که نزد من است، و تندرستی در جسم، و توانمندی در بدن، و سلامت در دین، و مرا به طاعتت و طاعت رسولت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده‌ای، و مرا از پر نصیب‌ترین بندگان در نزد خود قرار ده، پر نصیب‌تر در هر خیری که فرو فرستادی، و در ماه رمضان در شب قدر نازل می‌کنی،

وَ مَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَ بَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَ حَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا وَ سَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي

عَامِنَا [عَامِي] هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَ
اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَى
بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَابْصَارٍ أَعْدَائِي وَحُسَّادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَ
انصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَاقْرَأْ عَيْنِي [وَ حَقِّقْ ظَنِّي] وَفَرِّحْ قَلْبِي،

و نازل کننده آنی در هر سال، از رحمتی که می گستری، و عافیتی که می پوشانی، و بلایی که دفع می کنی، و خوبیهایی که می پذیری، و بدیهایی که از آن درمی گذری، و در این سال و هر سال زیارت خانهات را نصییم فرما، و از فضل گستردهات روزی فراخ ارزانی من کن، و بدیها را ای آقای من از من برگردان، و بدیه مرا بپرداز و جبران ستمهایی که بر عهده من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینیم و گوشها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من برگیر، و مرا بر آنان پیروز کن، و چشمم را روشن فرما، و دلم را شادی بخش

وَ اجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَ كَرْبِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ اجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ
جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي وَ اكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَ شَرَّ السُّلْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ
عَمَلِي وَ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ بَعْفُوكَ وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَ الْاِحْقِنِي بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاٰخِيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ
اَجْسَادِهِمْ وَ اَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ اِلٰهِي وَ سَيِّدِي وَ عِزَّتِكَ وَ
جَلَالِكَ لَيْنُ طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لَأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَ لَيْنُ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لَأَطَالِبَنَّكَ
بِكَرَمِكَ،

و برایم از اندوه و غم گشایش و بیرون رو قرار ده، و هرکه از میان مخلوقات نسبت به من به بدی قصد کرده، و زیر گامم قرار ده، و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و بدیهای کردارم کفایت کن، و از همه گناهان پاکم فرما، و به گذشتت از آتش امانم ده، و به رحمتت به بهشت واردم کن، و به احسانت از حور العین به همسری ام درآور، و مرا به دوستان شایستهات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر تنها و جانهایشان، و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان، خدای ای آقای من، به عزت و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پی جویی کنی، من تو را به عفو تو پی می جویم و اگر مرا به پستی ام تعقیب نمایی، من تو را به کرمت می خواهم،

وَلَيْنُ أُدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي إِنْ كُنْتُ لَا
 تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَ إِنْ كُنْتُ لَا
 تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ إِلَهِي إِنْ أُدْخَلْتَنِي النَّارَ
 فِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ وَ إِنْ أُدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ وَ أَنَا وَ
 اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ ،

و اگر به دوزخم دراندازی اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می‌سازم. خدایم و آقایم اگر جز اولیا و اهل طاعت را نیامرزی، پس گنهکاران به چه کسی پناه
 برند، و اگر جز اهل وفا را اکرام نمایی، پس بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟ خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست، و
 اگر مرا به بهشت وارد نمایی، این سبب خوشحالی پیامبر توست، و من به خدا سوگند این را می‌دانم، که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی دشمنت
 محبوب‌تر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ
 إِيْمَانًا بِكَ وَ فَرَقًا مِنْكَ وَ شَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ
 وَ أَحْبِبْ لِقَائِي وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ الْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ اللَّهُمَّ
 الْحَقِيقِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَ خُذْ بِي سَبِيلَ
 الصَّالِحِينَ وَ أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ اخْتِمْ
 عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَ اجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَعِنِّي عَلَى صَالِحٍ مَا
 أُعْطَيْتَنِي وَ ثَبَّتْنِي يَا رَبُّ وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

خدایا از تو درخواست می‌کنم که دلم را از محبت و خشیت، و باور به کتابت، و ایمان به وجودت، و هراس از حضرتت، و اشتیاق به ذاتت پر کنی، ای دارای
 بزرگی و بزرگواری، دیدارت را محبوب من کن، و تو نیز مرا محبوب خود بدار، و در لقایت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده. خدایا مرا به
 شایستگیان از بندگان گذشته‌ات ملحق ساز، و از شایستگیان از آنان که در آینده‌اند قرار ده، و مرا بر راه شایستگیان نگاهدار، و بر مخالفت با خواسته‌های نفسم
 یاری ده، آنگونه که شایستگیان را بر مخالفت با خواسته‌های نفسانی یاری می‌دهی، و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کن، و پاداشم را در کارها به برکت

رحمتت بهشت قرار ده، و بر شایسته‌ای آنچه عطا کردی یاری‌ام نما و ثابت قدم کن، پروردگارا، و در ورطه بدیهایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَ
تَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَ ابْرِيْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ
الشُّكِّ وَ السَّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي
بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَ فِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ
رَحْمَتِكَ وَ وَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَ بَيِّضَ وَجْهِي بِنُورِكَ وَ اجْعَلْ
رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ آلِهِ .

خدایا ایمانی از تو درخواست می‌کنم، که پایانی جز دیدار تو نداشته باشد، بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده‌ام می‌داری و بر آن بیمران زمانی که مرا میمیرانی، و بر آن برانگیز، هنگامی که مرا برمی‌انگیزی، و دلم را از ریا و شک و شهرت‌خواهی در دینت پاک فرما، تا معلم برای تو حالص باشد. خدایا از تو می‌خواهم که به من عطا کنی: بصیرت در دینت، و فهم در فرمانت، و آگاهی در علمت، و دو نصب از رحمتت، و پرهیزی که مرا از نافرمانی‌هایت بازدارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده، و در راه خود و بر آئین پیامبرت - درود خدا بر او و خاندانش - بمیران.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْهَمِّ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ الْغَفْلَةِ وَ
الْقَسْوَةِ [وَ الذَّلَّةِ] وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ قَلْبٍ لَا
يَخْشَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَ
دِينِي وَ مَالِي وَ عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ .

خدایا به تو پناه می‌آورم از کسالت و سرافکندی و اندوه و ترس و بخل و بی‌خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همه بلاها و زشتیهای آشکار و پنهان، و به تو پناه می‌آورم از نفسی که قانع نمی‌شود، و از شکمی که سیر نمی‌گردد، و از قلبی که فروتنی نمی‌کند، و دعایی که به اجابت نمی‌رسد، و

کرداری که سود نمی‌بخشد، پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده‌ای، از شیطان رانده شده به تو پناه می‌آورم، همانا تو شنوا و دانایی.

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَاكِهِ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ [كَعْبِي وَ] ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَزْرِي وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ وَ أَعْطِنِي يَا رَبُّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ،

خدایا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی‌دهد، و به جز تو پناهگاهی نمی‌یابم، پس هستی‌ام را در دامن عذابت قرار نده، و به هلاکت و شکنجه دردناک بازگردان. خدایا از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن، و درجه‌ام را بالا ببر، و بار گناهم را بریز، و مرا به اشتباهم یاد مکن، و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما، و از احسانت بر من بیفز، من مشتاق توام، ای پروردگار جهانیان،

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ [الْعَفْوَ وَ أَمْرَتَنَا] أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَ أَمْرَتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أُبُوبِنَا وَ قَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَ أَمْرَتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَ نَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَ بَكَ اسْتَعْنْتُ وَ لُذْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَ لَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَأَغْنِنِي وَ فَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ [يَقْبَلُ الْأَسِيرَ] وَ يَعْفُو عَنْ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا [صَادِقًا]

حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم، و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما درگذر، که حضرتت به گذشت از ما، شایسته‌تر از ماست، و هم فرمان دادی که فقیری را دست خالی از در خانه‌هایمان نرانیم، و من اکنون به گدایی از تو به درگاہت آمدم، پس مرا جز با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی درباره بردگانمان امر فرمودی، و هم اینک ما بردگان تویم، پس ما را از آتش دوزخ برهان، ای پناه‌گاہم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی، به تو پناه آوردم، و از تو فریادرسی خواستم، و جز به تو پناه نمی‌آورم و جز از تو درخواست گشایش نمی‌کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده، ای که اسیر را آزاد می‌کنی، و از گناه فراوان می‌گذری، از من عمل اندک را بپذیر، و از گناه بسیارم درگذر، همانا تو مهربان و آمرزنده. خدایا ایمانی از تو می‌خواهم که دلم با آن همراه شود و باور صادقانه‌ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی‌رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی به آنچه که نصیبم فرمودی خوشنود بدار، ای مهربان‌ترین مهربانان.